

سبک دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان: با نقش میانجی هوش هیجانی

الهام قربانیان*^۱، هادی محمدلو^۱، مهدی خانبانی^۲، فاطمه حسن‌آبادی^۳

- (۱) کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه- دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی.
- (۲) استادیار گروه روانشناسی- دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی
- (۳) کارشناسی ارشد مشاوره خانواده- دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید بهشتی

*نویسنده مسوول: Elham.gh460@yahoo.com

تاریخ دریافت مقاله ۹۵/۰۳/۱۸ تاریخ آغاز بررسی مقاله ۹۵/۰۵/۱۶ تاریخ پذیرش مقاله ۹۵/۰۷/۲۳

چکیده

پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی کودکان براساس سبک دلبستگی آنان و تعیین نقش مداخله‌ای هوش هیجانی انجام شد. روش پژوهش، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری، کلیه دانش‌آموزان پایه پنجم و ششم شهر تهران بودند که از میان آن‌ها، ۵۱۲ دانش‌آموز (۲۶۷ پسر و ۲۴۵ دختر) با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای این پژوهش سه پرسشنامه؛ مهارت‌های اجتماعی (گرشام و الیوت، ۱۹۹۰)، هوش هیجانی (شات، ۱۹۹۷) و سبک دلبستگی (رونقی و همکاران، ۱۳۹۲) بود. در این پژوهش، برای تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری با نرم‌افزار لیزرل استفاده شد. نتایج نشان داد، سبک دلبستگی افزون بر اثر مستقیم بر مهارت‌های اجتماعی به صورت غیرمستقیم نیز از طریق متغیر میانجی هوش هیجانی بر مهارت‌های اجتماعی اثرگذار است. بین متغیر مکنون برون‌زای سبک‌های دلبستگی و نشانگرهای آن، به ترتیب ضریب مسیر ۰/۳۲ و ۰/۶۰، بین متغیر مکنون درون‌زای هوش هیجانی و نشانگرهای آن، به ترتیب ضریب مسیر ۰/۴۱، ۰/۴۵ و ۰/۹۴ و بین متغیر مکنون درون‌زای مهارت‌های اجتماعی و نشانگرهای آن، به ترتیب ضریب مسیر ۰/۳۵، ۰/۵۰، ۰/۹۰، ۰/۸۵ وجود داشت و تمام این مسیرهای علی‌معنادار بودند. با توجه به اهمیت و ضرورت مهارت‌های اجتماعی کودکان و پیامدهای آن در زندگی آن‌ها، شناخت عوامل محیطی از قبیل سبک دلبستگی و عوامل فردی از قبیل هوش هیجانی، می‌تواند به شناخت عمیق عوامل مؤثر بر تحول مهارت‌های اجتماعی در کودکان، به منظور ارائه راهبردهای مناسب منجر شود.

کلید واژگان: دلبستگی، کودکان، مهارت اجتماعی، هوش هیجانی.

مقدمه

مجموعه پیچیده‌ای از مهارت‌ها در نظر گرفته شده است و سه مؤلفه مشارکت، ابراز وجود و مهار خود را در برمی‌گیرد که شامل ارتباط، حل مسأله، تصمیم‌گیری، خود‌مدیریتی، جرأت‌ورزی، تعامل با همسالان و گروه می‌شود

اکتساب مهارت‌های اجتماعی در کودکان، بخشی از مسأله اجتماعی شدن آنان است و فرآیندی که در آن هنجارها، مهارت‌ها، نگرش‌ها و رفتار فرد شکل می‌گیرد (آلتون، ۲۰۰۳). به عقیده ویگوتسکی (۱۹۷۸) و بندورا (۱۹۷۷) تعامل اجتماعی یک فن و منبع غیرقابل اجتناب از رشد روانی کودکان است. کودکان در تعامل با دیگران یاد می‌گیرند که چگونه رفتار و قضاوت کنند (به نقل از خرازی و دلگشایی، ۲۰۱۰). مهارت‌های اجتماعی بیشتر به عنوان

اختلال روانی هستند و چه افرادی که دچار اختلال روانی نیستند، برای سازگاری اجتماعی و عملکرد اجتماعی افراد ضروری است (انگلیکو و همکاران، ۲۰۱۳).

بالبی (۱۹۸۲) بیان می‌کند که در شکل‌گیری و تحول مهارت‌های اجتماعی کودکان، پاسخ‌دهی والد به نیازهای کودک در دوران کودکی، نقش مهمی دارد. افراد در نتیجه تعامل با مراقبت‌کننده‌های دوران کودکی خویش، به انتظارهایی درباره روابط اجتماعی و تجسم‌هایی از خود در رابطه با افراد مهم زندگی خویش، دست می‌یابند (به نقل از بری، باروکلون و وردن، ۲۰۰۷). پژوهش‌های بسیاری بر رابطه میان دلبستگی و تحول مهارت‌های اجتماعی تأکید کرده‌اند (هلتیگان^۶، لامبر، سفیر، اکاس، بوئر و مسینگر، ۲۰۱۲). تعامل مناسب و شایسته والد-کودک و وجود فضای ایمن بین آن دو باعث احساس ایمنی و اعتماد بیشتر در کودک می‌شود و این به او کمک می‌کند تا بتواند از والدین بخصوص مادرش به عنوان پایگاهی ایمن استفاده کند، به این معنا که ایمنی و آرامش مورد نیاز را از او به دست آورد و به هنگام احساس خطر و ترس و ناایمنی به او پناه ببرد و به طور کلی به اتکای وجود چنین پایگاهی به اکتشاف دنیای بیرون و گسترش مهارت‌های اجتماعی و توانایی‌هایش قدم بردارد (بالبی، ۱۹۸۰؛ کسیدی و شاور، ۲۰۰۸؛ کسیدی، جونز و شاور، ۲۰۱۳). هم‌چنین بر اساس نظریه کردارشناسی، دلبستگی عامل مهمی در تأمین رشد عاطفی و اجتماعی کودک در سال‌های بعدی زندگی او است. سیستم اکتشافی که ارتباط نزدیکی با سیستم دلبستگی دارد، با ارائه اطلاعاتی درباره محیط: چگونگی استفاده از ابزار، ساخت وسایل، به دست آوردن غذا، برطرف کردن موانع فیزیکی، بقای کودک را تأمین می‌کند و باعث تحول مهارت‌های اجتماعی کودک می‌شود (کسیدی و شاور، ۲۰۰۸). دلبستگی بر رشد

(تورنیر، مک دونالد و سامرس^۱، ۲۰۰۸). مهارت‌های اجتماعی می‌تواند به عنوان مهارت‌های لازم برای تطبیق با نیازهای اجتماعی و نیز حفظ روابط بین فردی رضایت‌بخش تعریف شود (هیمن و برگر^۲، ۲۰۰۷). به منظور موفقیت و پیشرفت تحصیلی، وجود دو مؤلفه هوش و مهارت اجتماعی در کنار یکدیگر ضروری به نظر می‌رسد. امروزه توجه و تأکید بیشتر مدارس به افزایش سطح هوش دانش‌آموزان متمرکز شده و مهارت‌های اجتماعی ناچیز انگاشته می‌شود، درحالی‌که تعداد زیادی از کودکان در حالی وارد مدرسه می‌شوند که با وجود داشتن بهره هوشی مناسب، فاقد مهارت اجتماعی لازم برای پیشرفت تحصیلی هستند (ویتد^۳، ۲۰۱۱).

نارسایی در مهارت‌های اجتماعی می‌تواند مشکلات تحصیلی، اجتماعی و اثرات منفی را در زندگی آینده به بار آورد (کالدرال و مریل^۴، ۲۰۰۸). کودکانی که مهارت اجتماعی کافی کسب کرده‌اند، در ایجاد رابطه با همسالان و یادگیری در محیط آموزشی موفق‌تر از کودکانی هستند که فاقد این مهارت هستند (گرشام، ۲۰۰۰)؛ چرا که مهارت‌های اجتماعی مطلوب، سبب بهبود روابط بین فردی، رشد اجتماعی و استقلال‌طلبی می‌شود (احقر، احمدی و قنبری، ۲۰۱۳). هم‌چنین اگر در اشخاص مهارت‌های اجتماعی دچار مشکل شود، آن‌ها خود و دیگران را به طور منفی ارزیابی می‌کنند و از تعاملات اجتماعی خود، کمتر راضی و خشنود می‌باشند (انگلیکو، کرایبی و لوریرو^۵، ۲۰۱۳). بسیاری از کودکانی که در مهارت‌های اجتماعی دارای مشکل هستند، توسط همسالان خود مورد پذیرش واقع نمی‌شوند و در معرض ابتلا به انواع نابهنجاری‌های رفتاری و عاطفی قرار دارند (هارت، اولسون، رابینسون و مندلكون، ۱۹۹۷). به طور کلی مهارت‌های اجتماعی در افراد، چه افرادی که دچار

6- Haltigan

1- Turner, Mc Donald & Somerset
2- Heiman & Bergar
3- Whitted
4- Caldrella & Merrell
5- Angelico, Crippa & Loureriro

آن‌ها و هم‌چنین تنظیم هیجان‌ها در خود و دیگران است. (سالووی، مایر و کاراسو، ۲۰۰۸). در مفهوم‌سازی دوم، هوش هیجانی به توانایی‌های غیرشناختی اشاره دارد که به مثابه شایستگی‌ها و رگه‌های شخصیتی مانند همدلی، انگیزش، انسجام و خونگرمی، مدل‌سازی شده و به عنوان عاملی در تحول مهارت‌های اجتماعی شناخته می‌شود (زیدنر، متیوس و رابرتز^۳، ۲۰۰۹). توانمندی‌ها و شایستگی‌های اجتماعی و هیجانی، از عوامل تعیین‌کننده و تأثیرگذار بر کیفیت روابط و مهارت اجتماعی به شمار می‌آید (سالووی و همکاران، ۲۰۰۸). ثرندایک (۱۹۲۰) بر این باور است که توانایی‌های اجتماعی یا به عبارت دیگر مهارت اجتماعی، برگرفته از هوش هیجانی است. هوش هیجانی با میزان توانایی فرد در ابراز همدلی با دیگران رابطه دارد. توان همدلی با دیگران به ویژه به فرد کمک می‌کند تا در ابعاد مردم‌آمیزی و صمیمیت در حوزه روابط اجتماعی کارکردی موفق‌تر داشته باشد. بر این اساس، هوش هیجانی از راه همدلی، مشکلات بین شخصی را کاهش می‌دهد و باعث بهبود در کیفیت مهارت اجتماعی می‌شود (به نقل از بشارت، ۱۳۸۴). هرچه سطح هوش هیجانی فرد بالاتر باشد، ادراک هیجانی وی نیز افزایش می‌یابد. این سطح از ادراک، با افزایش قدرت ارزیابی محرک‌های محیطی و بالا بردن توان برقراری روابط عاطفی و ابراز همدلی، کنش‌وری سازش‌یافته فرد را افزایش می‌دهد و باعث بهبود در کیفیت مهارت اجتماعی می‌شود (بشارت، ۱۳۸۴). پژوهش‌های، شاته، مالوف، تورستینسون^۴، بهلار و روک^۵ (۲۰۰۷)، عباسی و حبی (۱۳۹۳) نیز حاکی از ارتباط بین هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی می‌باشند.

مرور پژوهش‌های انجام شده پیرامون متغیرهای سبک دلبستگی، هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی و ارتباط این سه متغیر حاکی از آن است که بیشتر مطالعات انجام

اجتماعی کودک تأثیر می‌گذارد، بدین ترتیب که او به دلیل دلبستگی به والدین خود ارزش‌ها و معیارهای افرادی را که از او مراقبت می‌کنند یعنی والدینش را می‌پذیرد (ماسن، کیگان، هوستون و ویکانجر، ۲۰۰۱). به علاوه از تعامل‌های اولیه کودک با مراقبان در طول دوره کودکی، او قوانین اساسی مربوط به تعامل و روابط متقابل و ارتباط با دیگران را هم‌زمان یاد می‌گیرد (سوراف، ایگلند، کارلسون و کالینز، ۲۰۰۵) آن‌ها هم‌چنین اعتقاد دارند که دلبستگی ایمن تعامل‌های بین فردی از قبیل اعتماد به نفس، خودکارآمدی، عزت نفس و مهارت‌های اجتماعی کودکان را پرورش می‌دهد.

از طرف دیگر، دلبستگی برای رشد روانی، طبیعی و شکل‌گیری شخصیت سالم و روابط هیجانی مطلوب ضروری است. برینگ و بریت^۱ (۲۰۱۳) معتقدند، تعامل‌های اولیه کودک با مراقب و نوع دلبستگی، منجر به راهبردهای متفاوت در تنظیم هیجانی بعدی می‌شود. توانایی فرد در تنظیم هیجانی، رشد فراخود و ایجاد همدلی همه مستلزم داشتن یک دلبستگی ایمن است (کریمی، کیمیایی و مهدیان، ۱۳۹۱). کودکانی که رابطه دلبستگی ایمن دارند، از نظر هیجانی خود را بیان می‌کنند، درک بهتری از هیجان‌ها دارند و به عبارتی هوش هیجانی بالاتری دارند و در مقایسه با کودکان نایمن، در تنظیم هیجان دارای توانایی بیشتری هستند (عرشی، صباد و فرمانی، ۱۳۹۳). هوش هیجانی شکلی از هوش است که به تفاوت‌های افراد در شناخت احساس‌ها، انگیزش و مهار هیجان‌ها در زمینه فردی و روابط اجتماعی اشاره دارد (پترایدز و فارنهام^۲، ۲۰۰۱). در ادبیات پژوهشی، هوش هیجانی به دو شکل مفهوم‌سازی شده است. در شکل نخست، آن را مجموعه توانایی‌های عقلی و ذهنی می‌دانند که شامل ادراک درست هیجان‌ها، استفاده از آگاهی هیجانی در تسهیل جریان تفکر، درک و شناخت هیجان‌ها و تمایز بین

1- Thorsteinsson
2- Bhullar & Rooke

1- Brenning & Braet
2- Petrides & Furnham
3- Matthews & Roberts

شده در مورد عوامل مؤثر بر مهارت‌های اجتماعی، به بررسی ارتباط ساده دو یا چند متغیر پرداخته‌اند و در مجموع، مطالعات اندکی به بررسی نقش متغیرهای واسطه‌ای در این رابطه پرداخته است. لذا با توجه به اهمیت هوش هیجانی در ارتباط با سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی در دوران کودکی، هدف این پژوهش تعیین اهمیت نقش میانجی هوش هیجانی میان دو متغیر سبک دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی بود.

روش

پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدایی کلاس پنجم و ششم مدارس دولتی شهر تهران در سال تحصیلی ۹۴-۱۳۹۳ تحصیلی بود. از جامعه آماری فوق تعداد ۵۱۲ نفر (۲۶۷ نفر پسر و ۲۴۵ نفر دختر) با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابتدا از میان مناطق ۲۲ گانه تهران، ۱۲ منطقه به طور تصادفی انتخاب و از هر کدام از این ۱۲ مناطق ۱ مدرسه پسرانه و ۱ مدرسه دخترانه، در مجموع، ۲۴ مدرسه انتخاب شدند. پس از مراجعه به مدارس و هماهنگی‌های لازم با مدیر آموزشگاه از میان کلاس‌های موجود، یک کلاس انتخاب و پس از جلب مشارکت و همکاری آزمودنی‌ها، پرسش‌نامه‌ها میان آن‌ها توزیع و اجرا گردید.

برای اجرای این پژوهش از سه پرسشنامه مقیاس دلبستگی رونقی و همکاران (۱۳۹۲)، مهارت‌های اجتماعی گرشام و الیوت (۱۹۹۱) و هوش هیجانی شات و همکاران (۱۹۹۷) استفاده شده است.

پرسشنامه محقق‌ساخته مقیاس دلبستگی در کودکی

میان: ساخت، اعتباریابی و هنجاریابی مقیاس دلبستگی در کودکی میانه در ایران توسط رونقی، دلاور و مظاهری (۱۳۹۲) برای سنجش دلبستگی کودکان ۱۲-۶ ساله انجام شده است. این مقیاس دارای ۲۸ سوال و به سبک هارتر ساخته شده است، در این سبک جملات به صورت

دوتایی ارائه می‌شوند که اولین جمله نشان‌دهنده رفتار ایمن و دومین جمله نشان‌دهنده رفتار اضطرابی یا اجتنابی می‌باشد. نمره‌هایی که فرد در هر یک از این دو مؤلفه دریافت می‌کند، روی یک نمودار دارای دو محور عمودی (اجتناب) و افقی (اضطراب) قرار گرفته و جای شخص از نظر طبقه‌بندی دلبستگی او مشخص می‌شود. ضریب آلفای کرونباخ برای مؤلفه اضطراب ۰/۸۲ و برای اجتناب ۰/۹۰ می‌باشد. برای تعیین پایایی مقیاس از روش بازآزمایی استفاده شده است. همبستگی نتایج بین اجرای اول و اجرای مجدد در مؤلفه اضطراب ۰/۵۲ و در مؤلفه اجتناب ۰/۵۶ بوده که در سطح ۰/۰۱ معنادار است. هم-چنین نتایج، تأییدکننده روایی هم‌زمان آزمون می‌باشد. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای زیر مقیاس دلبستگی ناایمن ۰/۸۹ برای دلبستگی ایمن ۰/۹۰ و برای کل مقیاس ۰/۸۹ بود.

پرسشنامه مهارت‌های اجتماعی فرم دانش‌آموز (گرشام

و الیوت، ۱۹۹۱): این پرسشنامه برای سه مقطع قبل از دبستان، دبستان و راهنمایی- دبیرستان ساخته شده است (شهیم، ۱۳۸۴). هم‌چنین این پرسشنامه دارای سه فرم معلم، والدین و دانش‌آموز است. لازم به ذکر است فرم دانش‌آموز دارای دو فرم مخصوص کلاس‌های سوم تا ششم و کلاس هفتم تا دوازدهم است، که در این پژوهش از فرم مخصوص کلاس سوم تا ششم استفاده شده است. زیرمقیاس‌های فرم دانش‌آموز عبارتند از همکاری، جرأت‌ورزی، خودکنترلی و همدلی. در نمره‌گذاری این پرسشنامه به گزینه "هرگز=۰" "بعضی اوقات=۱" و "اغلب اوقات=۲" داده می‌شود (گرشام و الیوت، ۱۹۹۰). بر پایه یافته‌های گرشام و الیوت (۱۹۹۰) ضریب آلفای کرونباخ برای مهارت‌های اجتماعی ۰/۹۴ می‌باشد. در ایران نیز شهیم، پایایی این مقیاس را طی چند بررسی بر روی یک گروه از کودکان گزارش کرده که از ۰/۴۹ تا ۰/۹۶ متغیر بوده است (شهیم، ۱۳۷۸). در پژوهش حاضر نیز میزان ضریب آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۹۰ بود.

خانواده، ۰/۱۸ جزء فرزندان میانی خانواده و ۰/۴۵ درصد جزء فرزندان آخر خانواده بودند. تقریباً ۰/۴۵ پدر و مادرهای کودکان شرکت‌کننده، دارای تحصیلات درحد مدرک دیپلم، حدود ۰/۱۴ پایین‌تر از دیپلم و تقریباً ۰/۳۹ کسانی بودند که تحصیلات دانشگاهی داشتند. جهت بررسی فرضیه‌های پژوهش از آمار استنباطی و روش آماری مدل‌یابی معادلات ساختاری (SEM) استفاده شده است.

مدل مفروض این پژوهش، به علت وجود خرده مقیاس‌ها برای هر مقیاس و در نتیجه به دلیل وجود متغیر مکنون، از نوع SEM است. در این پژوهش با روش بیشینه درست‌نمایی پارامترهای استاندارد شده مربوط، یک متغیر مکنون برونزا (مستقل) به نام سبک دلبستگی، و دو متغیر مکنون درونزا به نام‌های هوش هیجانی به عنوان متغیر میانجی و مهارت‌های اجتماعی به عنوان متغیر وابسته وجود دارد.

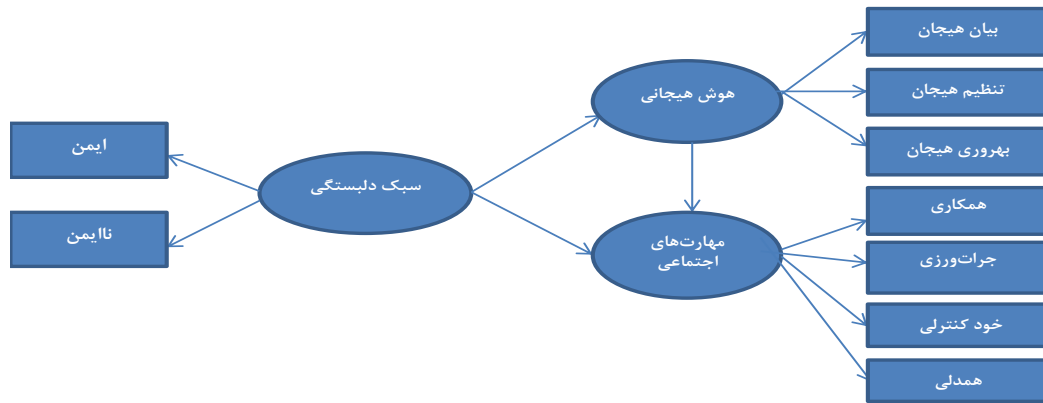
پارامترهای ضریب مسیر در مدل ساختاری که همان ضریب بتا در معادله رگرسیون هستند، ضرایب مسیر بین متغیر مکنون و نشانگرهای (متغیرهای اندازه‌گیری شده) آن همراه با واریانس خطای نشانگرها در مدل اندازه‌گیری بدین شرح است: بین متغیر مکنون برونزای سبک‌های دلبستگی و نشانگرهای آن، به ترتیب ضریب مسیر ۰/۶۰ و ۰/۳۲، بین متغیر مکنون درونزای هوش هیجانی و نشانگرهای آن، به ترتیب ضریب مسیر ۰/۴۱، ۰/۴۵ و ۰/۹۴ و بین متغیر مکنون درونزای مهارت‌های اجتماعی و نشانگرهای آن به ترتیب ضریب مسیر، ۰/۳۵، ۰/۵۰، ۰/۹۰ و ۰/۸۵ وجود دارد.

شاخص‌های برازش مدل پیشنهادی این پژوهش در جدول زیر آمده است:

مقیاس هوش هیجانی (شات و همکاران، ۱۹۹۷): این مقیاس یک آزمون ۳۳ سوالی است که به وسیله شات، مالوف، هال، هاگری، کوپر، گولدن و دورهیم (۱۹۹۷) براساس الگوی هوش هیجانی مایر و سالوی (۱۹۹۷) ساخته شده است. پرسش‌های آزمون سه مقوله سازه هوش هیجانی شامل تنظیم هیجان‌ها، بهره‌وری از هیجان‌ها و ارزیابی هیجان‌ها را در مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) می‌سنجد. مقیاس هوش هیجانی گرچه از سه مؤلفه پیش گفته اشباع شده، تنها یک نمره کلی برای هوش هیجانی به دست می‌دهد که دامنه آن از ۳۳ تا ۱۶۵ است. مطالعه این مقیاس در میان کودکان برای هوش هیجانی کل، روایی ۰/۸۴ و برای خرده مقیاس‌های آن به ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۶ و ۰/۵۵ گزارش شده است (سیرایکی، چن و کیوتی، ۲۰۰۰). هم‌چنین مینسکی روایی مقیاس مربوطه را با سنجش همبستگی آن با سازه‌های مرتبط، کافی گزارش کرده است (به نقل از بشارت، ۱۳۸۴). ضریب آلفای کرونباخ این مقیاس در نمونه ایرانی نیز برای هوش هیجانی کل، ۰/۸۱ و برای خرده مقیاس‌های نامبرده به ترتیب ۰/۷۸، ۰/۶۷ و ۰/۵۰ گزارش شده است. در پژوهش حاضر میزان آلفای کرونباخ برای هر کدام از زیر مقیاس‌ها به ترتیب ۰/۸۰، ۰/۷۹ و ۰/۸۸ بود. تجزیه و تحلیل اطلاعات و آزمون فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری با کمک نرم‌افزار لیزرل انجام شده است.

یافته‌های

میانگین سنی آزمودنی‌های شرکت‌کننده ۱۱/۵ سال، که ۰/۵۳ در پایه پنجم و ۰/۴۷ در پایه ششم قرار داشتند. ۰/۳۵ دانش‌آموزان شرکت‌کننده جزء اولین و یا تک فرزند



شکل ۱. مدل مفهومی پیشنهادی

جدول ۱. شاخص‌های برازش مدل

SRMR	RMSEA	CFI	AGFI	GFI	χ^2
۰/۰۵۰	۰/۰۵	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۸	۱۵۹۸/۹۴

جدول ۲. تحلیل مسیر متغیرهای پژوهش

جهت مسیر		پارامتر استاندارد نشده		پارامتر استاندارد شده		خطای استاندارد	آزمون معناداری
۲-۱: اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان							
سبک‌های دلبستگی اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی	۰/۴۰	۰/۱۵	خطای استاندارد	۰/۰۳	۹/۰۱	معناداری
۲-۲: اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر هوش هیجانی کودکان							
سبک‌های دلبستگی	هوش هیجانی	۱/۸۹	۰/۹۹	خطای استاندارد	۰/۲۵	۱۸/۸۹	۰/۴
۲-۳: اثر مستقیم هوش هیجانی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان							
هوش هیجانی	مهارت‌های اجتماعی	۰/۴۵	۰/۹۵	خطای استاندارد	۰/۲۰	۱۸/۲۹	معناداری
۲-۴: اثر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی							
سبک‌های دلبستگی مهارت‌های اجتماعی	هوش هیجانی	۰/۹۵	۰/۴۵	خطای استاندارد	۰/۳۵	۱۰/۰۳	معناداری
۲-۵: اثر کلی سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی							
سبک‌های دلبستگی اجتماعی	مهارت‌های اجتماعی	۲	۱/۹۵	خطای استاندارد	۰/۲۵	۱۴/۱۲	۰/۹۰

طبق جدول ۱، شاخص مجذور خی ۱۵۹۸/۹۴ و غیرمعنادار است که برازش خوبی را نشان می‌دهد. مقادیر AGFI, GFI, CFI به ترتیب ۰/۹۸، ۰/۹۲ و ۰/۹۲ هستند؛ چون این شاخص‌ها بالاتر از ۰/۹۰ می‌باشند، این مدل برازش مناسبی با داده‌ها دارد. مقادیر RMSEA و RMR به ترتیب ۰/۰۵ و ۰/۰۵۰ هستند و از آنجایی که کمتر از ۰/۰۸ هستند، برازش خوبی را نشان می‌دهند. در کل شاخص‌های برازش مدل، حاکی از برازش مناسب بین داده‌ها و مدل پیشنهادی هستند.

مسیر ۱-۲ نشان دهنده اثر مستقیم متغیر سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان است. ضریب مسیر استاندارد شده (β)، ۰/۱۵ است. بر اساس آزمون معناداری t ، مقدار باید ۲/۱۰ بالاتر باشد تا این مسیر تأیید شود. بنابراین مسیر سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان از لحاظ آماری معنادار است ($P < /0.01$)، $t=9/01$ ، $S.E.=0/40$ ، $\beta=0/30$ و بین سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی همبستگی وجود دارد.

بر اساس مسیر ۲-۲، می‌توان نتیجه گرفت که ضریب مسیر سبک‌های دلبستگی به هوش هیجانی از لحاظ آماری معنادار است ($P < /0.01$)، $t=18/89$ ، $SE=0/25$ ، $\beta=0/99$ و میزان واریانس هوش هیجانی که توسط سبک دلبستگی کودکان تبیین می‌شود، ۰/۴۰ می‌باشد. بر این اساس، سبک دلبستگی و هوش هیجانی کودکان، همبستگی معناداری دارند و سبک‌های دلبستگی بر هوش هیجانی به طور مستقیم اثر می‌گذارد.

بر اساس مسیر ۲-۳، اثر مستقیم هوش هیجانی بر مهارت‌های اجتماعی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج، ضریب مسیر هوش هیجانی به مهارت‌های اجتماعی کودکان از لحاظ آماری معنادار است ($P < /0.01$)، $t=18/29$ ، $SE=20$ ، $\beta=0/95$ ، پس بین هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی کودکان همبستگی معنادار وجود دارد.

برای این‌که نقش میانجی هوش هیجانی را بین سبک دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان بررسی کنیم، باید اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های

اجتماعی، اثر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان و اثر کلی آن، که مجموع اثر مستقیم و غیرمستقیم است، را مورد بررسی قرار دهیم. در فرضیه اول، اثر مستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی تأیید شد؛ در مسیر ۴-۲، به اثرهای غیرمستقیم کلی آن پرداخته شده است. در مسیر ۴-۲ نقش میانجی متغیر هوش هیجانی مورد بررسی قرار گرفت. با توجه به نتایج جدول، اثر غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان از طریق هوش هیجانی از لحاظ آماری معنادار است ($P < /0.01$)، $t=10/03$ ، $S.E.=0/35$ ، $\beta=0/45$ ، می‌توان نتیجه گرفت که هوش هیجانی، نقش میانجی را بین سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان دارد.

در مسیر ۵-۲، اثر کلی متغیر سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان ارائه شده است. با توجه به جدول می‌توان نتیجه گرفت که ضریب مسیر کلی سبک‌های دلبستگی به مهارت‌های اجتماعی که حاصل جمع ضریب مسیر مستقیم سبک‌های دلبستگی روی مهارت‌های اجتماعی و ضریب غیرمستقیم سبک‌های دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی از طریق نقش میانجی راهبردهای مقابله‌ای است، از لحاظ آماری معنادار می‌باشد ($P < /0.01$)، $t=14/12$ ، $S.E.=0/25$ ، $\beta=1/95$).

بحث و نتیجه‌گیری

به منظور موفقیت و پیشرفت تحصیلی، وجود دو مؤلفه هوش و مهارت اجتماعی در کنار یکدیگر ضروری به نظر می‌رسد. امروزه توجه و تأکید بیشتر مدارس به افزایش سطح هوش دانش‌آموزان متمرکز شده و مهارت‌های اجتماعی ناچیز انگاشته می‌شود، در حالی که تعداد زیادی از کودکان در حالی وارد مدرسه می‌شوند که با وجود داشتن بهره هوشی مناسب، فاقد مهارت اجتماعی لازم برای پیشرفت تحصیلی هستند (ویتد، ۲۰۱۱). معلمان گزارش می‌کنند که تنها و بزرگ‌ترین چالش آن‌ها این است که اکثریت یا همه کودکان فاقد همه یا بعضی از

نابهنجار در موقعیت تنش‌زا و روابط اجتماعی قرار می‌گیرند و همین امر مایه ناکامی در روابط میان فردی و در نهایت ایجاد مشکلاتی در رشد مهارت اجتماعی خواهد بود.

در مسیر ۲-۲ اثر مستقیم سبک دلبستگی بر هوش هیجانی کودکان گزارش شده است. مسیر علی سبک دلبستگی بر هوش هیجانی کودکان تأیید شد و همان‌طور که نشان داده شد، نتایج نشانگر معناداری مثبت این رابطه می‌باشد. به نظر می‌رسد زمانی که کودکان دارای سبک دلبستگی ایمن باشند، از هوش هیجانی قوی در برخورد با مسایل و مشکلات روزمره برخوردار هستند که همسو با پژوهش‌های کیم (۲۰۰۵) است که در زمینه سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی به عنوان یک همبسته هیجانی یا پیامد هیجانی واقعی از سازه سبک‌های دلبستگی، مفهوم‌سازی شده است و پژوهش پینگ، دویس و اودنون (۲۰۱۳) که عدم توانایی تنظیم هیجان، متأثر از سبک دلبستگی ناایمن بود. در پژوهش کفتسیوس^۴ (۲۰۰۴) نیز دلبستگی ایمن همبستگی مثبت معنادار با تمامی زیرمقیاس‌ها و نمره کلی هوش هیجانی داشت. صبری، البرزی و بهرامی (۱۳۹۲) نیز نشان دادند گفت و شنود از ابعاد الگوهای ارتباطی خانواده، می‌تواند تغییرات مرتبط با هوش هیجانی را به شکل معناداری پیش‌بینی کند. به نظر می‌رسد والدین با تأمین امنیت برای کودکان، باعث دلبستگی ایمن در کودکان می‌شوند که این دلبستگی ایمن در سازگاری اجتماعی و هوش هیجانی تأثیر قوی دارد.

در مسیر ۳-۲ اثر مستقیم هوش هیجانی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان نشان داده شده است. با توجه به نتایج ضریب مسیر هوش هیجانی به مهارت‌های اجتماعی از لحاظ آماری معنادار است به عبارتی هر چقدر فرد از هوش هیجانی بالایی برخوردار باشد، از مهارت‌های اجتماعی مطلوبی برخوردار است. طبق تعریف بار-آن (۲۰۰۰) هوش هیجانی از مؤلفه‌های درون فردی و برون

مهارت‌های اجتماعی هستند که برای پیشرفت تحصیلی، لازم به نظر می‌رسند (ویتد، ۲۰۱۱). در نتیجه بررسی همبسته‌ها و علل زیربنایی در تحول مهارت‌های اجتماعی ضروری است. یکی از متغیرهای پیش‌بینی مهارت‌های اجتماعی کودکان، دلبستگی است. هدف اصلی این پژوهش بررسی این موضوع بود که چگونه سبک‌های دلبستگی روی مهارت‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد و برای درک بهتر این چگونگی، نقش میانجی هوش هیجانی بین سبک‌های دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان بررسی شد.

با توجه به نتایج تحلیل داده‌های این پژوهش، سبک دلبستگی با مهارت‌های اجتماعی کودکان دارای همبستگی است. طبق مسیر ۱-۲ ضریب استاندارد شده این مسیر معنادار است و می‌توان نتیجه گرفت سبک دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی اثر مستقیم می‌گذارد. بنابراین زمانی که کودکان در سبک دلبستگی ایمن باشند، احتمالاً دارای مهارت اجتماعی قوی هستند. به عبارتی با داشتن تجربیات متعدد و موفق و کسب آرامش و امنیت از یک مراقب حساس و پاسخگو، کودک خود به یک سبک دلبستگی ایمن دست می‌یابد و قادر به تنظیم هیجان‌ات و توسعه مهارت‌های اجتماعی می‌شود (آلن، تایمر و آرکیزا^۱، ۲۰۱۴). فراتحلیل انجام شده توسط اشنایدر^۲، اتکینسون و تردیف^۳ (۲۰۰۱) نشان داد که بین کیفیت دلبستگی و سازگاری اجتماعی رابطه وجود دارد. میزان پرخاشگری و رفتارهای ضداجتماعی شاخصی از ناسازگاری بود. هم-چنین در پژوهش صفایی (۱۳۹۳) نتایج نشان داد که سبک دلبستگی می‌تواند رشد اجتماعی را پیش‌بینی کند؛ به گونه‌ای که دلبستگی ایمن با رشد اجتماعی بیشتری همراه است. در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت که با استناد به اینکه تردید، تعارض، تخاصم، درماندگی و آشفتگی جزء ویژگی‌های افراد با سبک دلبستگی ناایمن است؛ این افراد به شدت در معرض درگیری، تضاد، درماندگی و رفتار

3- Atkinson & Tardiff
4- Kafetsios

1- Timmer & Urquiza
2- Schneider

فردی متعددی تشکیل شده است. مؤلفه درون فردی مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، جرأت ورزی، استقلال، خود نظم دهی و خودشکوفایی را در بر می‌گیرد که نقش بسزایی در مهارت اجتماعی دارد. از این منظر، افراد با هوش هیجانی بالا در درک خود و دیگران کارآمد بوده، با دیگران ارتباط مناسب برقرار نموده و قادر به سازگاری و مقابله با محیط خود هستند (وینترز^۱، کلفت و داتون^۲، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش صفوی و لطفی (۱۳۸۸) نیز نشان داد که بین هوش هیجانی و سازگاری هیجانی- اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. در واقع، عاطفه نه تنها افکار و قضاوت‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر تعاملات اجتماعی زندگی واقعی افراد نیز تأثیر می‌گذارد. در تحقیقی دیگر همسو با پژوهش حاضر، یارمحمدیان و شرفی‌راد (۲۰۱۲) به تحلیل رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی پرداختند و نتایج نشان داد که بین عوامل هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان گروه سنی ۱۰-۱۲ سال رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ترتیب و قویت هوش هیجانی می‌تواند در تربیت مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی مؤثر واقع شود.

در مسیر ۴-۲ اثر غیرمستقیم سبک دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان گزارش شده است. با توجه به نتایج جدول، اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی از طریق هوش هیجانی از لحاظ آماری معنادار است. هوش هیجانی، نقش میانجی را بین سبک دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان دارد. در پژوهشی آرمستورنگ^۳، گلیگین و کریچلی^۴ (۲۰۱۱) هوش هیجانی را به عنوان یک عامل میانجی در ارتباط با رویدادهای منفی زندگی معرفی کرده‌اند. به عبارتی افراد با هوش هیجانی بالا می‌توانند در موقعیت‌های تنیدگی‌زا که منجر به دلبستگی ناایمن می‌شود، بهتر عمل کنند و این در رشد مهارت‌های اجتماعی نقش بسزایی دارد. کانر و دیویدسون

فردی متعددی تشکیل شده است. مؤلفه درون فردی مهارت‌هایی مانند خودآگاهی، جرأت ورزی، استقلال، خود نظم دهی و خودشکوفایی را در بر می‌گیرد که نقش بسزایی در مهارت اجتماعی دارد. از این منظر، افراد با هوش هیجانی بالا در درک خود و دیگران کارآمد بوده، با دیگران ارتباط مناسب برقرار نموده و قادر به سازگاری و مقابله با محیط خود هستند (وینترز^۱، کلفت و داتون^۲، ۲۰۰۴). نتایج پژوهش صفوی و لطفی (۱۳۸۸) نیز نشان داد که بین هوش هیجانی و سازگاری هیجانی- اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. در واقع، عاطفه نه تنها افکار و قضاوت‌های افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بلکه بر تعاملات اجتماعی زندگی واقعی افراد نیز تأثیر می‌گذارد. در تحقیقی دیگر همسو با پژوهش حاضر، یارمحمدیان و شرفی‌راد (۲۰۱۲) به تحلیل رابطه بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی پرداختند و نتایج نشان داد که بین عوامل هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان گروه سنی ۱۰-۱۲ سال رابطه معناداری وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که ترتیب و قویت هوش هیجانی می‌تواند در تربیت مهارت‌های اجتماعی و سازگاری اجتماعی مؤثر واقع شود.

در مسیر ۴-۲ اثر غیرمستقیم سبک دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی کودکان گزارش شده است. با توجه به نتایج جدول، اثر غیر مستقیم سبک دلبستگی بر مهارت‌های اجتماعی از طریق هوش هیجانی از لحاظ آماری معنادار است. هوش هیجانی، نقش میانجی را بین سبک دلبستگی و مهارت‌های اجتماعی کودکان دارد. در پژوهشی آرمستورنگ^۳، گلیگین و کریچلی^۴ (۲۰۱۱) هوش هیجانی را به عنوان یک عامل میانجی در ارتباط با رویدادهای منفی زندگی معرفی کرده‌اند. به عبارتی افراد با هوش هیجانی بالا می‌توانند در موقعیت‌های تنیدگی‌زا که منجر به دلبستگی ناایمن می‌شود، بهتر عمل کنند و این در رشد مهارت‌های اجتماعی نقش بسزایی دارد. کانر و دیویدسون

منابع

- بشارت، محمدعلی. (۱۳۸۴). اعتباریابی مقیاس هوش هیجانی شات. مجله علوم روان‌شناختی، ۴(۱۶)، ص ۲۲-۳۵.
- رونقی، سیمین. دلاور، علی. و مظاهری، محمدعلی. (۱۳۹۲). ساخت، اعتباریابی و هنجاریابی مقیاس دلبستگی در کودکی میانه. فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، ۴(۱۱)، ص ۹۵-۷۸.
- شهیم، سیما. (۱۳۷۸). بررسی روایی و پایایی مقیاس روش درجه‌بندی مهارت اجتماعی در گروهی از کودکان دبستانی شیراز. مجله علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳(۳)، ص ۱۷-۲۹.

3- Armstrong
4- Galligan & Critchley

1- Winters
2- Clift & Dutton

- skills. *Journal of American science*, 9, 105-112.
- Allen, B., Timmer, S, Urquiza, A. (2014). Parent-child interaction therapy as an attachment-based intervention theoretical rationale and pilot date with adopted children. *journal of children and youth services review*, 47, 334-341.
- Altun, I. (2003). The perceived problem solving ability and valued of student nurses and midwives. *Journal of nurse education today*. 23, 578-85.
- Angelico, A., Crippa, j., Loureriro, S. (2013). Social anxiety disorder and social skill: a critical review of the literature. *International journal of behavioral consultation and therapy*. 7(4): 16-23.
- Armstrong, A. R. A., Galligan, R. F. B., & Critchley, C. R. (2011). Emotional intelligence and psychological resilience to negative life events. *Personality and Individual Differences*, 51, 331-336.
- Bar-On, R. (2000). Emotional and social intelligence: Insights from the Emotional Quotient Inventory (EQ-I). In R. Bar-On & J. D. A. Parker (Eds.), *Handbook of emotional intelligence* (pp. 363-388). San Francisco: Jossey-Bass.
- Berry, K., Barrowclough. C., & Wearden, A. (2007). A review of the role of adult attachment style in psychosis: Unexplored issues and questions for further research. *Clinical Psychology Review*, 27, 458-475.
- Bowlby, J.(1980). *A secure base: parent-child attachment and healthy human development*. New York: Basic books.
- Brenning, K., & Braet, C. (2013). The emotion regulation model of attachment: An emotion-specific approach. *Personal Relationships*, 20(1),107-123.
- Caldrella, P., Merrell, K. W. (2008). Common dimensions of social skills of children and adolescents: taxonomy of positive
- شهیم، سیما. (۱۳۸۴). هنجاریابی مقیاس روش درجه‌بندی مهارت‌های اجتماعی برای کودکان پیش‌دبستانی. *مجله روان‌پزشکی بالینی ایران (اندیشه و رفتار)*، ۲(۱۱ پیاپی ۴۱)، ص ۱۸۶-۱۷۶.
- صبری، مصطفی. البرزی، محبوبه. و بهرامی، محمود. (۱۳۹۲). رابطه الگوهای ارتباطی خانواده، هوش هیجانی و خلاقیت هیجانی در دانش‌آموزان دبیرستانی. *فصلنامه اندیشه‌های نوین تربیتی*، ۹(۲)، ص ۶۳-۳۵.
- صفایی، صدیقه. (۱۳۹۳). رابطه سبک دلبستگی و رشد اجتماعی در کودکان نارساخوان و عادی. *مجله تعلیم و تربیت استثنایی*، ۱۲۳(۱)، ص ۳۵-۲۹.
- صفوی، محبوبه. لطفی‌موسوی، مریم. و لطفی، رضا. (۱۳۸۸). همبستگی بین هوش هیجانی و سازگاری اجتماعی در دانش‌آموزان دختر پیش‌دانشگاهی شهر تهران در سال تحصیلی ۱۳۸۶-۸۷. *مجله پژوهنده*، ۱۴(۵)، ص ۲۶۱-۲۵۵.
- عباسی، بدری. و حبیبی‌مهرن، فاطمه. (۱۳۹۳). رابطه هوش هیجانی و مهارت‌های اجتماعی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان. اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران.
- عرشی، ملیحه. صیاد، معصومه. و فرمانی، عذرا. (۱۳۹۳). بررسی مقایسه‌ای هوش هیجانی بین دختران نوجوان در خانواده و در مراکز شبه خانواده شهر تهران. *فصلنامه مددکاری اجتماعی*، ۳(۳)، ص ۴۷-۳۹.
- کریمی، ام‌البنین. کیمیایی، علی. و مهدیان، حسین. (۱۳۹۱). بررسی نقش سبک های دلبستگی، هوش هیجانی و استرس شغلی بر رضایت شغلی دبیران مقطع متوسطه شهر مشهد در سال تحصیلی ۹۰-۱۳۸۹. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۴(۱۰)، ص ۴۵-۳۱.
- ماسن، پاول. کیگان، جروم. هوستون، آلتا. و کانجر، جان. (۲۰۰۱). *رشد و شخصیت کودک*. ترجمه مهشید یاسائی. تهران: نشر مرکزی.
- Ahghar, G. H., Ahmadi, A., & Ghanbari, L. (2013). The impact of storytelling in social

- Kafetsios, K. (2004). Attachment and emotional intelligence abilities across the life course. *Personality and Individual Differences*, 37, 129-145.
- Kharrazi, K., Delgoshae, Y. (2010). Cognitive approach towards education and its impact on social responsibility of preschool children. *Procardia social and behavioral sciences*, 5, 2174-2177.
- Kim, Y. (2005). Emotional and cognitive consequences of adult attachment: The mediating effect of the self. *Journal of Personality and Individual Differences*, 39 (5): 913-923.
- Mayer, J. D., & Salovey, P. (1997). what is emotional intelligence? In p. Slaovey, & j. D. Mayer (Eds), *Emotional development and emotional intelligence New York : basic books*.
- Pepping, C. A., Davis, P. J., & O'donovan, A. (2013). Individual differences in attachment and dispositional mindfulness: the mediating role of emotion regulation. *Personality and individual differences*, 53(3): 453-556.
- Petrides, K. V., & Furnham, A. (2001). Trait emotional intelligence: Psychometric investigation with reference to established trait taxonomies. *European Journal of Personality*, 15, 425-448.
- Salovey, P., Mayer, J. D., & Caruso, D. R. (2008). Emotional intelligence: New ability or eclectic traits? *American Psychologist*, 63, 503-517.
- Scheneider, B. H., Atkinson, L. & Tardiff, c. (2001) Child parent attachment and children's peer relations: A quantitative review. *Development psychology*, 37, 86-100.
- Schutte, N. S., Malouff, J., Hall, L., Haggerty, D., Cooper, J., Golden, C., & Dorheim, L. (1997). development and validation of a measure of emotional intelligence. *personality and individual differences*, 25, 167-177.
- behaviors. *School psychology review*, 26, 264-78.
- Cassidy, j shaver, P. R.(2008). *Handbook of attachment second edition: theory, research, and clinical application*. New York: Guilford press. pp. 310-312.
- Cassidy, J., Jones, J., & Shaver, P, R. (2013). Contributions of attachment theory and research: A framework for future research, translation and policy. *Development and Psychopathology*, 25, 1415-1434.
- Ciarrochi, J. V., Chan, A. Y. C.,& Caputi, P. A. (2000). Critical evaluation of the emotional intelligence construct. *Personality and individual differences*, 28, 539-561.
- Conner, K. M., & Davidson, J. R. T. (2003). Development of a new Resilience Scale: The Conner-Davidson Resilience Scale (CD-RISC). *Depression and Anxiety*, 18, 76-82.
- Gresham, F. M. (2000). Social skills training with handicapped children: a review. *Review of educational research*, 51, 139-56.
- Gresham, F. M., & Elliot, S. N. (1990). *social skill rating manual*. circle pines. MN: American Guidance Service.
- Haltigan, D., lamber, L., Sefier., R., Ekas, V., Bauer, C & Mseeingert, D (2012). Security of attachment and quality of mother toddler social interaction in a high-risk sample. *Journal behavioral developmental*, 35(1): 83-93 .
- Hart, C.H., Olsen, S. F., Robinson, C. C., Mandlco, B, L (1997). the development of social and communicative competence in childhood: review and of personal. review and of personal familial fatra familial process, 20, 73, 305.
- Heiman, T., Bergar., B. (2007) Parents of children with Asperger syndrome or with learning disabilities: family environment and social support. *Research in developmental disabilities*, 29, 289-300.

- Schotte, N. S., Malouff, J. M., Thorsteinsson, E. B., Bhullar, N., & Rooke, S. E. (2007), a Meta-analytic Investigation of Relation between Emotional Intelligence and Health. *Personality and individual differences*, 42, 921-933.
- Sroufe, L. A., Egeland, B., Carson, E., & Collins, A. (2005). *The development of the person: the Minnesota study of risk and adaptation from birth to adulthood*. NEY York: Guilford press.
- Turner, N. E., Mc Donald, J., Somerset, M. (2008). Life skills, mathematical reasoning and critical thinking: a curriculum for the prevention of problem gambling. *Journal of gambling studies*, 24, 161-81.
- Whitted, K. S. (2011). Understanding how social and emotional skill deficits contribute to school failure. *Preventing school failure*, 55, 6-10.
- Winters, J., Clift, R. J. W., & Dutton, D. G. (2004). An exploratory study of emotional intelligence and domestic abuse. *Journal of Family Violence*, 19(5): 255-267.
- Yarmohammadian, A., Sharafi Rad, H. (2012). Analysis of relationship between emotional intelligence and social adjustment in teenager male students. *journal applied sociology*, 22 (4): 35-50. (Persian).
- Zeidner, M., Matthews, G., & Roberts, R. D. (2009). *What we know about emotional intelligence: How it affects learning, work, relationships, and our mental health*. Cambridge, MA: MIT Press.



Attachment style and social skills of children: The function of mediator emotional intelligence

Elham Ghorbanian^{1*}, Hadi Mohammadlo¹, Mehdi Khanbani²,
Fatemeh Hasanabadi³

- 1) M.A of School Counseling, Faculty of Psychology, Shahid Beheshti University.
- 2) Assistance Proffesor, Department of Psychology, Faculty of Education and Psychology, University Shahid Beheshti
- 3) MA of Family Counseling, Faculty of Education and Psychology, University Shahid Beheshti.

*Corresponding author: Elham.gh460@yahoo.com

Abstract

This study aims to predict social skill in children based on their attachment style and emotional intelligence undertaken to examine the role of intervention. This research is a descriptive study. The population of this study consisted of all the students sixth and fifth grade in Tehran, which included 267 boys and 245 girls were selected by cluster sampling. The survey questionnaire instruments were; social skills (Gresham & Elyot, 1991), emotional intelligence (Schutte, 1997) and attachment style (Ronaghi & colleagues, 1392). The data obtained from the structural equation modeling (SEM) were analyzed by using the LISERAL software. Results show that attachment style directly & indirectly lead to social skill through the mediation variable of emotional intelligence. Between endogenous latent variable and the indicator of attachment style, the path coefficients were respectively 0/60 & 0/32, between endogenous latent 0/41, 0/45 & 0/94, and between the latent variable of indigenous social sill and the indicator the path coefficients were sportively 0/35, 0/50, 0/90 & 0/85. It can be said that and all the causal paths were significant. Considering the importance and necessity of children social skills and its effects on children's life, recognizing environmental factors such as attachment style and individual factors such as emotional intelligence can finally lead to a deeper recognition of factors affecting the transformation of children's social skills in order to present suitable methods.

Key words: Attache, Children, Social skill, Emotional intelligence.
